

سیاستی که عین دیانت بود

نوآوری الگویی از عادت شکنی تلقی می‌شود. فرد خلاق و نوآور به سیستم موجود نقد دارد و در اندیشه بنای سیستم و روشی جدید است؛ به عبارتی فرد نوآور اجتهاد می‌کند.



معصومه داداشلو:

نوآوری الگویی از عادت شکنی تلقی می‌شود. فرد خلاق و نوآور به سیستم موجود نقد دارد و در اندیشه بنای سیستم و روشی جدید است؛ به عبارتی فرد نوآور اجتهاد می‌کند.

در چنین مسیر سخت و دشواری موانعی وجود دارد که باید رفع شود تا امکان تحقق نوآوری فراهم شود. امام خمینی(ره) به عنوان دانش‌آموخته حوزه علمیه در سنت حاکم بر حوزه، به نوآوری و خلاقیت مبادرت ورزید. امام(ره) باور داشتند که راه‌حل‌های جدیدی برای مسائل جدید وجود دارد و لذا برای راه‌حل‌یابی از اراده قوی و اعتماد به نفس بالا برخوردار بودند. در این نوشتار جنبه‌های مختلف نوآوری فرهنگی در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) و دستاورد بزرگ آن، یعنی انقلاب اسلامی تبیین می‌شود.

جایگاه امام خمینی(ره) به عنوان نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی، بنیانگذار نظام سیاسی جدید و رهبر بی‌بدیل ملت ایران جایگاهی ویژه و منحصر به فرد در عرصه تحولات داخلی و بین‌المللی در 10 ساله اول انقلاب اسلامی است. حکومت ممتاز و معنوی امام بر قلوب آحاد ملت ایران و همچنین ملل مستضعف جهان هر کنش رفتاری ایشان را به یک الگوی غالب فرهنگی تبدیل می‌کرد. در این میان در منظومه بدایع و نوآوری‌های امام(ره) نوآوری‌های فرهنگی وی در قامت یک رهبر سیاسی و مذهبی از اهمیت دوچندانی برخوردار است که مولفه‌هایی از آن تبیین می‌شود.

ارائه الگوی جدید از اخلاق حکمرانی

گفتمان اخلاقی حاکم در عرصه سیاست‌ورزی، اخلاق ماکیاولیستی است. مهم‌ترین وجه این اخلاق گزاره معروف «#هدف وسیله را توجیه می‌کند؛ است. در این گفتمان اخلاقی کسب و حفظ قدرت مهم‌ترین هدف سیاسی است. دین ابزاری در خدمت کسب قدرت حاکمان است و معنویت که روح ایمان است قابل جمع با سیاست به مفهوم کسب قدرت نیست. کسب و توسعه قدرت هرگونه عمل غیراخلاقی را اعم از ترور فیزیکی و یا ترور متافیزیکی انسان‌ها چه به صورت جمعی و چه به صورت فردی توجیه می‌کند. اما امام دغدغه جمع معنویت و سیاست را دارند و سیاست را علم انبیا معرفی می‌کنند، برداشت امام از سیاست در چارچوب فلسفه صدارایی است. مطابق فلسفه سیاسی امام خمینی(ره)، سیاستمدار سفری از خلق به سوی حق، از حق در حق، از حق با خلق و از خلق با حق دارد. (اسفار اربعه) امام وقتی که از پایگاه سیاست‌ورزی به دین نگاه می‌کنند درک ایشان از دین یک درک مناسکی نیست بلکه درکی معنوی است و در پی ترویج معنویت دین با سیاست‌ورزی هستند. نوآوری فرهنگی امام ارائه اخلاق حکمرانی به شیوه‌ای جدید با مختصات زیر است.

صدق و راستی

همانگونه که نگاه ابزاری به اخلاق اصلی‌ترین معیار تمیز اخلاق ماکیاولیستی است، صدق و راستی اصلی‌ترین مشخصه الگوی سیاست‌ورزی امام خمینی(ره) است. امام به زبانی ساده و قابل فهم برای توده‌ها با مخاطبین خود سخن می‌گفتند. شیشه ویتترین سیاست‌ورزی امام برای توده‌ها مات و کدر نبود بلکه شفاف و زلال بود. این زلالیت و شفافیت نشأت گرفته از معنویت دین اسلام بود که امام آن را با سیاست پیوند زده بودند. تقویم 10 ساله اول انقلاب، روزشمار صداقت یک رهبر با ملت خود بود، عیار ممتاز صداقت ایشان پشتیبانی قاطع ملت را از انقلاب و نظام رقم زد. برای مثال 15 روز قبل از پایان جنگ، امام در نامه‌ای به نخست‌وزیر وقت شبهه در جنگ را خیانت به رسول‌الله می‌دانند اما وقتی پای مصلحت نظام و اسلام در میان است صادقانه با مردم سخن می‌گویند و «#نوشتیدن جام زهر؛ را فریاد می‌کنند. صداقت امام امت با امت، پذیرش پایان جنگ را که تقدسی ایدئولوژیک داشت بر رزمندگان ایران اسلامی سهل و آسان کرد.

نقدپذیری و نصیحت‌پذیری

حکمرانان زیادی در جهان به استبداد در شیوه حکمرانی شهره تاریخنند. در ایران نیز وضعیت بدین‌گونه بوده است. در دربار انوشیروان که به «#عادل؛ معروف است بنا به پیشنهاد شاه یکی از ایرانیان سخنی از سر دلسوزی و نقد به زبان می‌راند اما به دستور این شاه عادل (!) با قلمدان‌ها آن قدر بر سر وی می‌کوبند که آن فرد ناقد می‌میرد. پس از حضور اسلام در ایران نیز تفاوتی

نسبت به این وضعیت ایجاد نشد زیرا اندیشه و فرهنگ استبدادی جان سخت در ایران همچنان در مقابل نفوذ معنویت اسلام مقاومت کرد، لذا درک حکمرانان خودکامه از اسلام درکی مناسکی بود و آنان صرفاً مناسک دین را به جا می‌آوردند اما معنویت اسلام را چون تحدیدکننده قدرت خودکامه آنان بود نمی‌پذیرفتند. امام نخستین سیاستمداری هستند که در این وضعیت گسست ایجاد می‌کنند و نقدپذیری را به عنوان اخلاق حکمرانی به پیروان خود می‌آموزند. زمانی که نمایندگان مجلس سوم شورای اسلامی قانونگذاری، مجمع مصلحت منصوب وی را برخلاف نص صریح قانون اساسی دانسته و در نامه‌ای به این معضل اشاره می‌کنند، پاسخ امام(ره) چنین است: «#171؛ مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به شما دعا می‌کنم. ... آنچه در این سال‌ها انجام گرفته در ارتباط با جنگ بوده است، مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کند تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد.»

ستیز پرهیزگاران با ستایش افراط‌گونه اطرافیان

شاید آن روز که محمدرضا پهلوی به عنوان جوانی خجول که در سایه پدری خودکامه رشدونمو کرده بود به عنوان شاه جدید سوگند یاد کرد کسی تصور نمی‌کرد کمتر از 8 سال بعد آنچنان خودکامه‌ای شود که با تشکیل مجلس مؤسسان اختیارات سلطنت را افزایش دهد، مجلس سنا ایجاد کند، حق انحلال مجلس شورای ملی را از آن نهاد سلطنت کند و خلاصه یک دیکتاتور تمام شود. این رفتار پهلوی دوم شاید در مقام یک شاه چندان عجیب نباشد اما رفتار امام به گونه‌ای کاملاً متضاد است. در چهارم خرداد 1359 در دیدار نمایندگان مجلس شورای اول اسلامی با امام(ره) فخرالدین حجازی، سخنران سرشناس، متن گفتاری خود را با جمله «#171؛ با بی‌انت و امی» آغاز کرد و بقیه محتوای سخنرانی در تجلیل از مقام والای امام بود. شاید ارائه چنین سخنرانی‌ای به علت شخصیت استثنایی امام و نفوذ عمیقی که در دل توده‌ها داشت به لحاظ فرهنگی امری طبیعی بود اما امام با گلایه چنین پاسخ می‌دهند: «#171؛ ... من به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسان‌ها یک قربتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی».

9 سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، آیت‌الله مشکینی سخنانی ستایش‌آمیز درباره امام بر زبان می‌راند و پاسخ امام(ره) به وی اینگونه است: «#171؛ ما آن قدری که گرفتار به نفس خودمان هستیم کافی است، دیگر مسائلی نفرمایید که انباشته بشود در نفوس ما و ما را به عقب برگرداند. شما دعا کنید که آدم بشویم، دعا کنید که حتی به این ظواهر اسلام عمل کنیم».

توده‌گرایی

زادگاه پوپولیسم به عنوان یک مکتب سیاسی، غرب است. مطابق آموزه‌های این مکتب قدرت حاکم به مدد تبلیغات و ابزار رسانه، توده‌های مردم را در راستای منافع خود بسیج سیاسی می‌کند. فاشیسم در ایتالیا و نازیسم در آلمان نمونه‌های شاخصی از مکاتب پوپولیستی هستند. رژیم استبدادی پهلوی نیز از رویکردهای پوپولیستی برای سرکوب مخالفان سیاسی خود بهره می‌برد. پیراهن مشکی‌ها و گروه شعبان‌جعفری نمونه‌ای از این گروه‌ها هستند.

اما از آنجا که امام(ره) معنویت و روح اسلام را که برای انسان بما هو انسان ارزش و کرامت و مقام خلیفه‌الهی قائل بود، با سیاست پیوند زده بودند، هیچ‌گاه نگاه ابزاری به توده‌های مردم نداشتند. نقطه عزیمت توده‌گرایی امام(ره) گفتار ایشان بود. امام به زبانی ساده و شیوا و توده فهم با مردم سخن می‌گفتند و البته با صداقت و راستی.

مطابق سنت استبدادی دیر پای ایرانی چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام، مردم همواره از دیدگاه حکومت، محلی از اعراب نداشتند. امام با پیوند جمهوریت با اسلامیت، میزان را رأی ملت قرار دادند و مجلس شورای اسلامی را حامل‌الله‌اکبرهای مردم و خانه ملت نام نهادند. ایشان مردم را ولی نعمت حاکمان می‌دانست.

امام(ره) در نامه‌ای به آیت‌الله گلپایگانی در 25 مهرماه 1367 اینگونه از حقوق توده‌های مردمی دفاع می‌کنند: «#171؛ اگر وضع به همان عنوان خان‌خانی و بورس‌بازی و زمین‌خواری بماند... و یک طبقه عظیم فقرا با فقر و فاقه زندگی کنند، برای حکومت اسلام و اسلام و قانون اساسی باید فاتحه خواند... من میل ندارم که تهمتی که سال‌ها به روحانیون می‌زنند و می‌زدند که اینان طرفدار زمین‌خواران و سرمایه‌داران بزرگ هستند و با طرفداری خود موجب ظلم به مردم مستمند می‌شوند شاهد پیدا کند و به ما بچسباند».

امام(ره) صرفاً قرائت خواص از اسلام را عین اسلام نمی‌دانند بلکه مطابق نص قرآن اسلام را دین نازل شده بر فطرت انسان‌ها می‌دانند و می‌گویند: «#171؛ ملت می‌خواهد که قوانین اسلام در این مملکت پیاده بشود... ملت روحانیت را به تبع اسلام می‌خواهد. اگر خدای نخواست روحانی هم [کاری] برخلاف اسلام بکند، آنهم یک ساواکی است... این معناها را از گوش‌هایشان بیرون کنند آقایان که

این مردم از جمهوری اسلامی کنار رفته‌اند. خیر شماها کنار رفته‌اید. شما خودتان را علاج کنید... و این مردم هم از مجلس، مادامی که مجلس بر طریقه اسلام باشد و از دولت، مادامی که بر طریقه اسلام باشد و از رئیس‌جمهور، مادامی که رئیس‌جمهور در طریق اسلام باشد، طرفداری می‌کنند. هر کدامتان بلغزید، مردم دیگر از شما طرفداری نمی‌کنند. برای اینکه مردم اسلام را می‌خواهند....

امر دایر می‌شود بین شما و اسلام، کدام مسلمان است که شما را به اسلام ترجیح دهد؟!؛ توجه به توده‌های مردمی که با عناوینی چون کوخ‌نشینان، طبقات محروم، مستضعفین و... در لسان امام خمینی(ره) یاد می‌شوند در وصیت‌نامه الهی-سیاسی ایشان عیان‌تر است. امام(ره) خطاب به خواص و نخبگان چنین می‌فرماید:

171#؛ با پشتیبانی مردم خصوصا طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخایر آن کوتاه گردید و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شدید شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به‌جای شما ستم‌پیشگان، پست‌ها را اشغال می‌نمایند. بنابراین حقیقت ملموس باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیراسلامی انسانی احتراز نمایید.«

ستیز با خرافه‌گرایی

خرافه‌گرایی کنشی جهل بنیاد است که در جوامع توسعه‌نیافته امکان بروز دارد، هرچند جوامع مدرن نیز از بلیات آن در امان نبوده‌اند. زمانی که ابراهیم فرزند پیامبر اکرم(ص) دار فانی را وداع گفت، در روز خاکسپاری پدیده خورشیدگرفتگی رخ داد که اعراب صدر اسلام تعبیر به غمناکی طبیعت در فراق فرزند رسول‌الله شمرند. پیامبر(ص) سریعا واکنش نشان دادند و از بروز خرافه در میان امتش جلوگیری کردند.

شاه سابق ایران نیز از معتقدات مذهبی با گرایش خرافه‌گرایانه سوءاستفاده می‌کرد و در مصاحبه با اوربانا فالاچی برای خود نیروی فوق‌العاده و ماموریت الهی قائل بود و خود را کمر بسته امام رضا(ع) می‌دانست. جامعه بعد از انقلاب اسلامی در ایران نیز از بروز امواج خرافه‌گرایی در امان نبود. اما امام(ره) همواره با خرافات، سوءاستفاده از مقدسات و غیبت امام زمان(عج) مبارزه می‌کردند و به توده‌ها نیز آگاهی می‌دادند. اوج مبارزات امام(ره) در این مورد را می‌توان در مبارزات ایشان با متحجران دانست که از رژیم شاه حمایت می‌کردند و سد راه انقلاب و نظام اسلامی و امام(ره) می‌شدند. امام(ره) در منشور روحانیت هم بر این بحث تاکید می‌کنند. در این زمینه گفته شده است افرادی خدمت امام خمینی(ره) آمدند و از ایشان وقت خواستند اما امام(ره) قبول نمی‌کردند، سرانجام امام(ره) به خواهش بزرگان، به آنها وقت دادند. آنها نزد امام گفتند ما با امام زمان(عج) ارتباط داریم اگر کاری دارید به ما بگویید تا به ایشان برسانیم. امام(ره) نیز به آنها فرمودند که عکسی منتسب به پیامبر(ص) وجود دارد، بپرسید آیا این عکس واقعی است، دیوان شعر من نیز مدتی گم شده از ایشان بپرسید کجاست و مواردی شبیه به این. آنها ناراحت شدند و از خدمت امام(ره) رفتند و پشت سر به امام ناسزا گفتند و فهمیدند که امام دست آنها را خوانده و این مطالب را برای رسوا کردن آنها فرموده است (مسیح مهاجری، 1386).